

نقش روانشناختی رنگ در نقش پوشان موافق خوان و مخالف خوان مجالس تعزیه

نغمه نظری مقدم^۱

چکیده:

در این پژوهش ما به بررسی نقش روانشناختی رنگ در نقش پوشان موافق و مخالف خوان مجالس تعزیه می پردازیم. در این بین اول به رنگ های مورد استفاده گروه نقش پوشان موافق خوان که بیشتر شامل رنگ های سبز و سفید و زرد می شود پرداخته و بعد از آن به گروه نقش پوشان مخالف خوان در تعزیه که شامل رنگ های قرمز و سیاه می باشد با تاکید بر قواعد رنگ شناسی آنها را مورد بررسی قرار می دهیم. موضوع رنگ در هنر موضوع جدیدی نیست و در حوزه بین مطالعاتی، رشته های هنری غالباً حضوری چشم گیر دارد. در حوزه هنرهای تجسمی در این زمینه پژوهش های نیز بین مفاهیم روانشناختی رنگ و لباس و الزامات صحنه ای تعزیه صورت گرفته است که یاری دهنده ما در این پژوهش بوده است. در این میان رابطه رنگ و نقش از جمله مباحثی است که در این پژوهش به آن پرداخته ایم و مفهوم کلی رنگ و تاثیر آن در خلق فضاها و مفاهیم و کاربرد و معانی رنگها مورد استفاده و همچنین کاربرد نور و معانی آن در هنر تعزیه بررسی می شود. این پژوهش به دنبال پاسخ برای این پرسش است که چگونه رنگ می تواند با حضور روانشناختی خود در شخصیت پردازی نقش پوشان تعزیه در اجرای تعزیه تاثیر گذار باشد؟ و این تاثیر گذاری بواسطه رنگ جامه نقش پوشان در خلق مفاهیم تعزیه تا چه مقدار به مباحث روانشناختی رنگ مربوط است؟ از این روی به تبیین و بررسی موضوع رنگ های سیاه و سفید، سرخ و زرد و سبز پرداخته و بسامد هر کدام از این رنگها را در هنر تعزیه (نقش خوانی و نقش پوشی) با تاکید بر سویه روانشناختی آن مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و در پایان به نتایج مورد نظر رسیده ایم.

کلیدواژه‌ها: روانشناسی رنگ، نقش پوشان مخالف، نقش پوشان موافق، تعزیه

^۱ عضو هیات علمی دانشگاه شفق، تنکابن، ایران

مقدمه

رنگ بواسطه حضور و ایفای نقش خود در زندگی ما تاثیرات روانی، عاطفی و عقیدتی خاصی بر پیرامون ما از گذشته تا حال گذاشته است. در برخورد با این تاثیر می توانیم به هنر آیینی تعزیه و رابطه آن با رنگ در جهت انتقال احساس و پیام این هنر اشاره نمود که جایگاه و اهمیت آن را ایفا نموده است. رنگ ها بواسطه حضور خود در نقش پوشان تعزیه (شبيه خوانان) در شکل ها و فرم های مختلف از لباس یک نقش پوش (شبيه خوان) گرفته تا عناصر دیگر اجرا در تعزیه نشان دهنده هویت مستقل به عنوان یک قرارداد صحنه ای در تعزیه، مفاهیم و معنای به واسطه نقش پوشی و نقش خوانی به مخاطب انتقال می دهند. برای بررسی بیشتر در گام اول به پیشینه ادبی تحقیق پرداخته و سپس مختصری از مبانی نظری تحقیق مانند روانشناسی رنگ، نقش رنگ و تعزیه را مورد بررسی قرار داده و در نهایت با توجه به تجزیه و تحلیل از مولفه های یاد شده نتایج و یافته های تحقیق را به نمایش می گذاریم.

پیشینه تحقیق

لوشر ماکس (۱۳۷۴)، در کتاب تحت عنوان روان شناسی رنگها، به مقوله رنگ از آغاز آفرینش و پیدایش رنگ پرداخته و در این میان کارکردهای گوناگون آن را مورد بررسی قرار داده و در نهایت به کارکرد روانشناختی آن و رنگ درمانی می پردازد. بررسی های او در غالب رنگ درمانی به «آزمایش رنگ لوشر» که یک تست روان شناسی می باشد معروف است. دورتی و هاوارد سان (۱۳۷۸)، در کتاب زندگی با رنگ: روانشناسی و درمان با رنگها به این مقوله پرداخته اند. محتوای اصلی کتاب، تاثیرات جسمی و روانی رنگها در روحیات انسان است که طی آن مولف سعی دارد با استفاده از رنگها، به روانشناسی و درمان افراد مختلف بپردازد. این کتاب به مولفه های؛ بررسی عکس العمل افراد در برابر رنگها (سی.آر.آر)، بررسی عکس العمل افراد در برابر رنگها، هشت رنگ اصلی، تاریخچه رنگ، رنگ لباسها، رنگهای داخلی، استفاده از رنگ در تنفس و تجسم و جملات خاص هر موقعیت و رنگ درمانی می پردازد. شاهین شهناز (۱۳۸۳)، در پژوهشی تحت عنوان بررسی نماد رنگ در تاتر و ادبیات و در آیین ملت ها به این موضوع پرداخته و می گوید: رنگ ها در شیوه زندگی و حالات روحی ما تاثیر بسزایی دارند و در آیین ملت ها از جایگاه نمادینی برخوردارند. پاره ای رنگ ها مانند رنگ سرخ، در جوامع

مختلف، مفهومی متفاوت دارند و پاره ای دیگر، مانند رنگ سبز، معمولاً دارای معنایی کما بیش مشابه اند. در ادبیات نیز رنگ ها احساسات و نشانه های گوناگونی را القا می کنند. شبنم محمدی و علی وندشعاری (۱۳۹۴)، در پژوهشی تحت عنوان معناشناسی رنگ در تعزیه عاشورا با تأکید بر آیات قرآنی به این موضوع پرداخته و به این نتایج رسیده اند که رنگ از دیدگاه زیبایی شناسی، روان شناسی، تیپ شناسی و شخصیت شناسی، یکی از ارکان اساسی بررسی فرهنگ مادی و معنوی در تعزیه است و نقش برجسته در پوشاک شبیه خوانان دارد و از موارد و نکات ظریف و قابل تأملی است، که برگرفته از سنت ها، آئین ها و نشانه های متکی بر فرهنگ هایی با قدمت بشری است. رنگ در روان شناسی، دین اسلام، قرآن از جایگاه بالایی برخوردار است. با مطالعه رنگ در این موارد، می توان به جایگاه معنایی رنگ در تعزیه عاشورا دست یافت. محمد اعظم زاده و همکاران (۱۳۹۵)، در پژوهشی تحت عنوان رنگ در جامه های تعزیه با تأکید بر مفهوم رنگ از دیدگاه عرفا، به این موضوع پرداخته اند. رویکرد اول این پژوهش بنیادهای عرفانی رنگ از منظر عرفای اسلامی را بیان کرده و رویکرد دوم بازتاب اندیشه های عرفانی و معانی نمادین رنگ را در جامه های تعزیه خوانان، مورد بررسی قرار داده است. یافته های پژوهش نشان داده که رنگ در جامه های تعزیه منطبق بر دیدگاه عرفان اسلامی بوده است. همچنین رنگ متناسب با درجات مختلف نور و ظلمت، گاه نماد سیر و سلوک و جهان غیب و گاهی تصویری از فضای زمینی، متناسب با درجات نفسانی و عوامل خیر و شر، بوده است. محمد نصیری و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی تحت عنوان نماد عرفانی رنگ در هنر و معماری اسلامی به این موضوع پرداخته و مورد بررسی قرار داده اند. به اعتقاد این پژوهشگران در این میان «رنگ» نمادین ترین تمثیل تجلی کثرت دروحدت می باشد، زیرا ذات مجرد بیرنگ نورکه خود نماد کامل وحدت است، با رنگ تجسم می یابد و نور بدون تعین مادی، با رنگ تعین می یابد و عاملی برای ظهور و محل رویت آن می گردد. چگونگی و کارکرد بازتاب وجود رنگ ها و ترکیبات آنها در هنر ایرانی می باشد. در نتیجه رویکرد این پژوهش به نظرمی رسد هنر اسلامی سعی دارد تا احدیت خداوند را لایه لای رنگ ها، فرم ها، انوار و اصوات و به تعبیری معنا را در صورت به تصویر درآورد. کاظم دانش و محمد خزایی (۱۳۹۹)، در پژوهشی تحت عنوان نماد شناسی رنگ سبز در فرهنگ و هنر ایرانی - اسلامی به بررسی رنگ سبز پرداخته و بیان مسئله را اینگونه طرح نموده اند: رنگ ها در ارتباطشان با طبیعت، فرهنگ، باورهای دینی و تجارب زندگی معانی ویژه به خود اختصاص می دهند؛ اما در هر حال تابع موقعیت های زمانی، جغرافیایی، اندیشه، فرهنگ، سیاست، دین و سنت مردم هستند. هنرمندان و شاعران نیز برای ملموس کردن تصاویر شاعرانه و ذهنی خویش و توضیح مفاهیم بیان نشدنی، از نمادهای رنگی استفاده می کنند. مخاطب با تحلیل رنگ ها در اثر هنری می

تواند به افکار و عواطف هنرمند و نیز موضوع و درون مایه اثر دست یابد هدف این پژوهش بررسی نمادهای رنگ سبز و تحلیل مفاهیم نهفته در ورای آن، در فرهنگ و هنر ایرانی - اسلامی و در نهایت آگاهی بهتر از مفاهیم نمادین ایرانی است. یافته ها این پژوهش بیانگر این است که رنگ سبز در اندیشه و آیین میتراپی گاه نماد آسمان، ماه و آب و گاهی در نماد داد و دادگری، فرشته و سروش؛ و همچنین در نظام طبقاتی جامعه قبل از اسلام نماد طبقه کشاورز بود. این رنگ در اندیشه اسلامی نیز نماد بهشت و بهشتیان، پیامبران و در عرفان و تصوف به عنوان مرحله ای از سلوک عارفانه است. زهرا حسین آبادی و مسعود رحیمی صادق (۱۳۹۹)، در پژوهشی تحت عنوان بررسی و نمادشناسی رنگ در لباس نمایش تعزیه به این موضوع پرداخته اند. از نظر این پژوهشگران بخش مهمی از عناصر تشکیل دهنده ی نمایش آیینی - مذهبی تعزیه را لباس شخصیت های نمایش یا شبیه خوان ها تشکیل می دهد. ارزش و کاربرد رنگ در لباس های شبیه خوان ها به اندازه های دارای اهمیت است که در ارائه ی صورت وسیرت شخصیت های نمایش کارساز و قضاوت مخاطب را به طور مستقیم تحت تاثیر قرار می دهد. یافته های پژوهش حاکی از آن است که رنگ در تعزیه حضور اتفاقی و زینتی ندارد، بلکه در ساختار نمایش به صورت کاملاً نمادین هویدا گشته و بیانگر حالات درونی و برونی شخصیت های نمایش است، ازاین رو عنصر رنگ بر مخاطب تاثیر بسزایی دارد.

نقش رنگ

حضور رنگ در هنر نمایش به خصوص تعزیه کاربردی بسیار وسیعی دارد و خود بعنوان یک شخصیت مستقل در انتقال مفاهیم به شکل مختلف ایفای نقش می نماید. تعزیه شکلی از ادبیات نمایشی ماست که در این مبحث به مثابه ادبیات با آن مواجه می شویم؛ «همانطور که رنگ سیاه معنای حزن و ناامیدی و ظلمت دارد و سبز، رنگ مقدس و حیات بخش است و سرخ، رنگ شهامت و شهادت در ادبیات نیز در همین معانی به کار رفته اند. البته نباید فراموش کرد که امتیاز بزرگ رنگها سلیقه و پسند انسانها در گزینش آنهاست و هر شخصی بسته به روحیات و عقاید و حتی تجربیات شخصی خویش رنگی را دوست دارد و همواره بدان عشق می ورزد و گاه با آن زندگی می کند» (حسن لی، ۱۳۸۵، ۱۴۶). از این هنرمندان در ادبیات رنگ را از زوایای مختلفی مورد استفاده قرار داده اند؛ به عنوان مثال سهراب سپهری در کتاب اتاق آبی که با رنگ آبی پیوندی ناگسستنی دارد به زندگی خود با رنگ آبی اشاره نموده است (سپهری، ۱۴۰۰). ویا در مورد نگرش ادبی بواسطه رنگ اینگونه آمده است؛ «بنابراین هر اثر ادبی بیانگر نحوه اندیشه صاحب اثر و جهان بینی اوست. از آنجا که شعر نیز به دلیل این که

برخاسته از عمق احساسات و عواطف شاعر است، بازگو کننده شخصیت و روحیات روانی وی نیز خواهد بود. شاید بتوان قویترین و نمادی ترین کاربرد رنگ در ادبیات فارسی را هفت گنبد نظامی دانست که در آن هفت سیاره هفت روز هفته و هفت الهه آنها از باور سومریان با هفت رنگ قرین گشته است» (همدانی، زاده بی تا: ۴۷). حضور این معنا در ادبیات و مواجه آن با رنگ می تواند ما را با دریچه خلاقه ای به کارکرد و کاربرد رنگ در ادبیات رهنمون سازد. شاید بی راه نباشد که بگویم حال و روح تنانی ما با رنگ ها گرهی ناگستنی دارد.

کارویژه های که رنگ در زندگی اقوام مختلف دارد بسیار گوناگون اند؛ «در باورهای دینی ملل مختلف رنگ لباسها و پوشش کارکردی ویژه داشته و برای مراحل و حالات مختلف، رنگهای متفاوت ارایه شده است. اهل طریقت نیز به رنگ لباس و پیوند آن با مراحل و درجات سالک توجهی خاص داشته اند» (حسن لی، ۱۳۸۵: ۱۳۳-۱۳۵). در ادبیات عنصر رنگ نه تنها در معنا نمادین بوده بلکه نوع ادبی و صنعت به کار رفته را بواسطه رنگ آمیزی در کلام متمایز نموده است. کارکرد رنگ در هنرهای مختلف و نحوه به کارگیری آن با توجه به مفهوم مخاطب متفاوت بوده است. در ادبیات فارسی ما این هنرها از شعر، ادبیات داستانی، ادبیات نمایشی گرفته تا هنرهای نمایشی و آیینی بصورت یک زنجیره بهم متصل می باشند. با این رویکرد رنگ ها در آیین ها و سنت های ایرانی بواسطه برگزار کنندگان خویش جایگاه مهمی پیدا نموده اند.

روانشناسی رنگ

«نیوتن اولین کسی بود که درباره ویژگی و ماهیت نور تحقیقاتی کرد و ثابت کرد که هرکدام از رنگ های طیف، طول موج مخصوصی دارند و نور خود را در سطح انرژی متفاوتی ساطع می کنند» (برند فلمار، ۱۳۷۶، ۱۴). این عبارت فلمار بیانگر این است که رنگ در حقیقت بازتاب نور هستند و مهمترین منبع آن محسوب می گردند تا آنجایی که بدون وجود نور رنگی را نمی توان دید و نور بواسطه این حضور انرژی خود را در سطح رنگدانه های اجسام در محیط به ما انتقال می دهد. با این نگاه نقشی که رنگ در شکل بیرونی اجسام ایفا می نماید می تواند در هر جسم معنای جدیدی را خلق کند. «از دیدگاه معنا شناسی، رنگ ها علاوه بر معنای ظاهری مفاهیم دیگری نیز دارند. آنها نشان دهنده انگیزه های درونی انسان ها هستند. البته همان طور که ضمیر ناخودآگاه جمعی باعث

واکنش‌های متفاوت فرهنگ‌ها به پدیده‌های واحد می‌شود، رنگ‌ها نیز در فرهنگ‌های مختلف دارای مفاهیم متفاوت و حتی متناقضی هستند و هر فرد متناسب با تجربیات اجتماعی و فرهنگی خود که از آن با عنوان پشتوانه فرهنگی یاد می‌شود از رنگ‌ها برداشت ویژه خود را دارد. درواقع، هر رنگ شخصیت روان‌شناختی کاملاً مستقلی دارد» (عطاری و فلاحتی، ۱۳۸۲، ۶). از این رو شناخت رنگ از جلوه روان‌شناختی آن نسبت به پیرامون ما باعث آگاهی ما می‌گردد. این شناخت به شکل یک شخصیت متبلور گشته و منتج به خلق معنا در محیط می‌گردد. «بنابراین، بررسی رنگ‌ها در شناخت شخصیت افراد بسیار مؤثر است. امروزه براساس قواعد جدید علم روان‌شناسی، به رنگ‌ها در شناخت شخصیت انسان‌ها بسیار توجه می‌شود. پس از بررسی و تبیین ضمیر ناخودآگاه انسان در روان‌شناسی جدید، در قرن بیستم یونگ به مفاهیم نمادین رنگ‌ها نیز توجه کرد و با تشویق بیماران خود به استفاده از رنگ‌ها در نقاشی، میان ضمیر ناخودآگاه و بخش آگاه آنها ارتباط برقرار کرد» (سان، ۱۳۷۸، ۵۸). یکی مهمترین نظریات در مورد رنگ که رویکرد جدیدی علمی نسبت به رنگ و نگاه روان‌شناختی آن را موجب شده است نگاه ماکس لوشر می‌باشد: «ماکس لوشر، روان‌درمانگر و استاد روان‌شناسی که (به خاطر ابداع آزمایش رنگ لوشر، آزمایشی برای سنجش حالت روان‌شناسی افراد بر پایه رنگها) شخصیت مشهوری است برای اولین بار در سال ۱۹۴۰ ثابت کرد که رنگ‌ها نه تنها پیام و احساسات و عواطف را انتقال می‌دهند و با شخصیت افراد ارتباط دارند، بلکه دارای انرژی درمانی نیز هستند. طبق تحقیق و آزمایش او افراد براساس وضعیت روحی و عواطف و افکار ویژه خود از رنگ‌ها استفاده می‌کنند و رنگها نیز در شخصیت روانی آنها تأثیر مستقیم دارند. او پس از نتایج آزمایشات خود جدولی را برای مفاهیم روان‌شناختی رنگ‌ها تنظیم و ارائه نمود و در آن تفاسیر روان‌شناختی و فیزیولوژیکی خود را نسبت به آنها بیان کرد (لوشر، ۱۳۷۴: ۴۵).

تعزیه

از تعزیه که مترادف شبیه خوانی می‌باشد به نمایشی از واقعه‌های تاریخی مذهبی زندگی و مصایب اهل بیت و خاندان پیامبر و بویژه واقعه کربلا یاد می‌کنند. تعزیه شناسان عقیده دارند: «که کل جوهره اندیشه و عواطف مربوط به حیات مرگ خدا و انسانهای هم‌نوع را در بر می‌گیرد» (چلکوفسکی، ۱۳۸۴، ۲۳). شاید بتوان گفت که: «

تعزیه نیز نوعی «نمایش روایی» است که متشکل از سه عنصر اصلی «موسیقی» «کلام» و «بازیگری» (نقش پوشی) بوده و مانند سایر نمایش های شرقی مبتنی بر قراردادهایی است. حوادث در تعزیه در میان انبوهی از بدایع هنر نمایشی پیش می روند چنان که حتی تصنع و بازیگری نیز به مفهوم خاص کلمه معنی ندارد...اغلب پس از آن معین البکا کارگردان نمایش مطالبی را در ماتم حضرت اباعبد... (ع) و مجلس موردنظر بیان می دارد و پس از آن نمایش آغاز می گردد» (پروای ونک، نیک نفس، ۱۳۸۹، ۴).

تعزیه یا تعزیه همچون کرداری جمعی و ثواب مند، بازسازی تمثیلی و ادواری شهادت بزرگان مذهبی به طور خاص امام حسین (ع) و یارانش { پی آمدهای آن در برابر توددهای مردم است (اسماعیلی، ۱۳۸۹، ۴۲). اما این گونه از نمایش ایینی اشتراکات زیادی با نمایش صحنه ای در مواجه با مخاطب دارد: «در این گونه نمایش فرهنگی همواره نشانه های آیین و تئاتر در هم تنیده بوده و ناگسستگی جلوه می نماید. از سویی در تعزیه اشکال هنری به شکلی تئاتریکال به کار گرفته شده و از سوی دیگر مسلمانان شیعه آن را نه یک تئاتر بلکه چون محفل و بهانه ای برای مشارکت فعالانه در مسیر رستگاری دینی و وحدت جمعی تلقی می شود؛ به سخن دیگر مخاطب تعزیه برای داوری و سنجش اجرای نقشها و کشف طرح داستان یا برداشتی متکثر از یگانه مفاهیم ارائه شده در تعزیه حضور نمی یابد بلکه هدف او جستجوی فضایل اخلاقی بهره مندی از اجر مذهبی و کسب اعتبار اجتماعی در نتیجه مشارکت در یک پویش قدسی و دینی می باشد» (فهیمی فر و پازوکی، ۱۳۹۵، ۳۶-۳۷).

اریکا فیشر لیشته^۲، از پژوهشگران حوزه هنرهای نمایشی، نمایشهای دینی را در زمره اجراهای فرهنگی قلمداد می کند و معتقد است که نمایشهای مذهبی همواره مابین دو وجه آیینی و تئاتری در نوسان اند و یک رابطه رنگین کمانی میانشان برقرار است (هاشم پور، ۱۳۹۲، ۲۱). این رابطه بواسطه حضور اعتقادی مخاطب در این آیین شکل می گیرد: «این دگر شدگی در تعزیه در نتیجه مشارکت و پیوستگی مداوم «شبییه» یا بازیگر و مخاطبان بروز این فضا بینایی که در آن اجراگر یا شبیه خوان می کوشد به جای آنکه در نقشی که به او سپرده شده و غرق شود شخصیت نمایشی را شبیه سازی کند. هنگامی که نقشش به پایان می رسد با مخاطبان همراه می شود تا همگام با آنها و در فضایی مشارکتی برای ستم و ظلمی نمایشی تعزیه و با کنش هایی جمعی و آیینی مانند سینه زنی و همنوایی در فرایند اجرا مشارکت کنند و وجه آیینی تعزیه را تقویت می کند. مشارکت شبیه خوان با مخاطب در این فضای رنگین کمانی در تبلور شبکه ای از روابط اجتماعی و شناختی نقش مهمی ایفا می کند. در این تجربه مشترک از سویی شبیه خوانان و مخاطب از زندگی روزمره و میثاقها و فضای حاکم بر آن جدا شده و از سوی دیگر قادر هستند که گذشته تاریخی و مذهبی را به زندگی اکنون خود گره بزنند. فضای بینایی میان

²Erika Fischer Lichte

آیین و تئاتر و واقعیت و نمایش در تعزیه از طرفی بر اشکال نحوه حضور اجراگر یا شبیه در این اجرای فرهنگی مؤثر بوده و از طرف دیگر از آن تأثیر پذیرفته است. به عبارتی فضای تعلیق و آستانه ای میان آیین و تئاتر در تعزیه حاصل ظهور و بروز اشکال مختلف پدیداری اجراگر یا نقش خوان در تعزیه بوده و آن را توجیه می‌کند» (فهیمی فر و پازوکی، ۱۳۹۵، ۳۷-۳۸).

رنگ نقش پوشان موافق (سبز)



تصویر شماره ۱: ظهر عاشورا، عکس از محسن کرامت، اردبیل، مردادماه هزار و چهارصد، تدوین: نگارنده (۱۴۰۲)

سبز از جمله رنگ‌هایی است که دامنه گسترده‌ای در مفهوم زندگی ایجاد کرده است. در ایران باستان رنگ سبز رنگ اهورایی بوده است. در اسلام از رنگ سبز بعنوان رنگی مقدس که همواره در تمثال رسولان خدا بوده است یاد شده است. اما در این تعزیه این رنگ، ماهیتی آیینی و تقدیس شده دارد. با همین رویکرد معنوی و الهی است که نقش پوشانی که از رنگ سبز استفاده می‌نمایند بیشتر انبیا و اهل بیت آنها می‌باشند. در روایات شعیه در جاهای مختلفی از رنگ سبز یاد شده است چنانچه در کتاب اوراد الاحباب اینچنین آمده است: «انس بن مالک گوید که رسول خدا رنگ سبز را از جمله رنگها دوست تر داشتی و جامه اهل بهشت سبز است» (باخزری، ۱۳۴۵، ۳۷). «در روایات آمده که هنگام تولد پیامبر اسلام (ص) جبرئیل به زمین آمده و پرچم سبزی را بر فراز کعبه برافراشت» (بکری، ۱۳۷۳، ۱۸۵). «در هنگام ازدواج ایشان با خدیجه (س)، حضرت رسول لباس سبز پوشیده

بودند» (همان، ۳۴۱). «به نقل بعضی از مورخان دیده شده که پیامبر (ص) هنگام طواف لباس سبز می پوشیدند» (ابن سعد، ۱۴۱۰، ۳۵۰). «جبرئیل (ع) در شب قدر در حالی نازل میشود که همراه وی لوای سبزرنگی است» (شیخ مفید، ۱۴۱۳، ۲۷۳). در این روایات تاریخی رنگ سبز فراتر از رنگ صرف حضوری نمادین پیدا کرده است و در موقعیت ها و مکان ها و رویدادها دارای معانی در فراخور این حضور است: «در فرهنگ شیعه رنگ سبز نشانه ای از معصومیت و شعار بنی هاشم می باشد. سادات نیز برای متمایز ساختن خود از دیگران از شال یا عمامه سبز استفاده می کرده اند» (شهری باف، ۱۳۸۳، ۳۳۲). نقش پوشان رنگ سبز بیشتر در تعزیه در جامه اهل بیت بنی هاشم یادشده اند: «امیر مؤمنان، علی بن موسی را ولیعهد خویش کرده از آن رو که بنی علی را نگریسته و کسی را برتر و پرهیزگارتر و داناتر از او نیافته و او را رضای آل محمد نامیده و دستور داده که پوشیدن جامه های سیاه را بگذارند و جامه های سبز بپوشند و به عیسی و یاران وی و سپاه و سرداران و بنی هاشم دستور میداد که با وی بیعت کنند و وادارشان کند که قباها و کلاههای سبز بپوشند و پرچم ها را سبز کنند و همه مردم بغداد را بدان وادار کند» (بیهقی، ۱۳۷۸، ۱۹۱).

یکی از مفاهیم پایه ای در رنگ سبز برای سرزمین و تاریخ کهن ایران مفهوم حیات و جاودانگی است. با همین پشتوانه است که این رنگ در اسلام جایگاه ویژه ای در نزد ایرانیان دارد. در دین اسلام رنگ سبز رنگ آب خضر می باشد که همان آب حیات نمایده شده است. آبی که حضرت خضر به دنبال آن رفت آن را یافت و به جاودانگی رسید؛ از این رو نجم الدین کبری می گوید: «رنگ سبز رنگ حیات دل و آفرینش مرحله سلوک است. سبز نمادی از جاودانگی و نیکویی می باشد، صورتش از عالم طبیعت و محسوس اخذ شده اما معنایش از عالم معنا و نامحسوس» (مددپور، ۱۳۹۰). حتی مستشرقان خارجی در این مورد نیز اینچنین یاد کرده اند: «رنگ سبز به طور ویژه ای با حکمت و هنر اسلامی آمیخته است و کاربردی گسترده در هنر اسلامی دارد؛ بر این اساس روح اسلام در کالبد رنگ سبز هویدا شده با توجه به تشکیل رنگ سبز از دو رنگ آبی و زرد حالتی متعادل و میانه دارد. این رنگ به صورت سبز بهاری مصداق حیات و به صورت سبز زنگاری مصداق مرگ است» (کوپر، ۱۳۷۹). با وجود چنین پیشینه ای رنگ سبز اساسا در زمره رنگ هایی است که بعنوان یک نماد و نشانه دینی در اسلام می تواند بیرق حق طلبی باشد. این نگرش در تعزیه و در برخورد نقش پوشان با این مفاهیم به اوج خود می رسد: «در نمایش تعزیه رنگ سبز علم ها و لباس موافق خوان ها به خلق فضای دست میزند که حریم اولیاست. گویا وارد شدن به این حریم تجاوز محسوب می شود. چنانکه لشکر اشقیا با اولیا می نماید. در بیشترین این فضا سازی نمادی از جاودانگی که معنای خود را از عالم برتر گرفته است. بدین سبب کاربرد رنگ سبز از رستاخیز و صعود روحانی به عالم برتر و رسیدن به نقطه وصل و کمال که همان معبود ازلی است می باشد. این نماد در یاران حق بصورت نشانه در لباسشان نیز تجلی می کند: شال و عمامه ی سبز امام حسین (ع)، قبای ابریشمی شانه زری و

سبز رنگ حضرت محمد (ص) و ائمه (ع) از جمله لباس شبیه امام حسن (ع) علاوه بر معنای ذکر شده در فوق نمادی از مسموم شدن آن امام با زهر سبز است» (تقوی، ۱۳۹۶). نقش پوشان موافق نیز از جمله شبیه علی اکبر (ع) و شبیه حضرت قاسم (ع) قبای سبز رنگی را در زیر زره خود به نشانه ی حضور در لشکر اولیا و یاری جستن از آنها به تن دارند که در مبارزه نماد ستم ستیزی و حق طلبی می باشد.

رنگ نقش پوشان موافق (سفید)



تصویر شماره ۲: مراسم تعزیه، عکس از امین رحمانی، نفرش، مهرماه نود و پنج، تدوین: نگارند (۱۴۰۲)

تعزیه به عنوان یک آیین برای مخاطبش بیش از آنکه یک تماشاجی صرف باشد شرکت برای یک باور و اعتقاد دینی است. این رویکرد برای مخاطب تعزیه با شرکت در آن بیشتر جنبه دینی دارد رسیدن به یک نوع از پاکیزگی و بخشش گناه از طرف پرودگار که در بطن مفهوم تعزیه نهفته است. این باور در میان مجریان و نقش پوشان تعزیه نیز حضوری پررنگ دارد که سرمنزل مقصود آن نور است: «در باور دینی نیز سفیدی از نور است و کسانی که اهل نور حق باشند به رنگ سفید نامیده می شوند و چهره هایشان نورانی می گردد» (طبرسی، ۱۳۷۷: ج ۱، ۱۹۵). نور همه جا در جریان زندگی ما ساطع است و حضورش حکایت روشنی و زلالی در خود دارد: «برخی سفیدی را در ترکیب رنگ شمار نیاورد و آن را عین بی رنگی می دانند در حالی که رنگ سفید در همنشینی

دیگر رنگ‌ها کیفیتی را پدید می‌آورد که مثل یک رنگ مستقل خودنمایی می‌کند و خصلت‌ها و ویژگی‌های قابل توجهی از خود بروز می‌دهد. شاهد مثال اینکه در بیشتر اسطوره‌ها از جمله اساطیر ایرانی، رنگ سفید بعنوان رمز برتری معنویت و فضیلت آمده است و هرگاه با زرین همراه می‌شود، تقدس بیشتری می‌یابد. از کارکرد دیگر آن در اسطوره آفرینش سفیدی در برابر سیاهی همواره رمز راستی اهورا مزدا در برابر ناراستی اهریمن است و هنگامی که سفیدی با روشنی در هم می‌آمیزد. هرگز در بالا در زمانی بی‌کرانه و روشن است و جامه سپید «آسرونان» بر تن دارد. آسمان را روشن و سپید می‌آفریند. گاو یکتا را به رنگ سفید می‌آفریند. بز اساطیری که «مش» و «مشیانه» را سیراب می‌کند، سپید موی است...» (بهار، ۱۳۷۶: ۴۶-۱۵۸). نور غالباً جامه سفید بر تن کرده و جهان اطرافش را از تاریکی دور نگه می‌دارد. نقش پوشان تعزیه در لباس سفید بیش از آنکه مفهوم زمینی داشته باشند در شبیه خویش نشان دهنده ذات اقدس الهی می‌باشند. در تعزیه رنگ سفید بی‌واسطه و بصورت مستقیم دارای مفاهیم و معانی می‌باشد که بواسطه اشیا و حیوانات و شخصیت‌های آن با زبان نشانه‌شناسی با مخاطب ایجاد ارتباط می‌کند: «در تعزیه رنگ سپید در حیوانات نیز دارای پیامی خاص است؛ بنابراین اسب اولیاء سفید رنگ است و اسب اشقیاء به نشانه سیه دلی، صاحبانشان سیاه رنگ است. اشقیاء سیاه «نامه اند و نامه اعمالشان تیره و تار و دل‌هایشان سیاه و رویشان سیاه تر؛ اولیاء رخ سپیداند و لاله رویان و سرخگون چهره‌ها و سپید بخت و سپید نامه اند» (عنصری، ۱۳۶۶، ۲۴۵). در فرهنگ عمومی جامه ایران از کهن تاکنون رنگ سفید از رنگهای دوست داشتنی یاد شده است. تا جایی که بیشتر لباسهای شخصیت‌های برگزیده به رنگ سفید بوده است. در دین اسلام پوشیدن لباس سفید بسیار توصیه شده است و شمایی از پیامبران و بزرگان را در ذهن یادآوری می‌نماید: «بهترین لباسهای شما لباس سفید است در احادیث پوشیدن لباس سفید و کفن کردن مردگان در پارچه سفید مستحب است امام صادق (ع) که به شهر منصور دوانیقی رفت، بر قاطری ابلق سوار بود و لباس سفید بر تن داشت. منصور به او گفت: شبیه پیامبران شده‌ای؛ حضرت فرمود چه چیز مرا از فرزند پیامبر بودن دور می‌نماید» (محدثی، ۱۳۶۸: ۳۷) در اهمیت رنگ سفید در کتاب اوراد الاحباب چنین آمده است: «و اما مقام دوم، مقام تجلی جلال است و آن مقام موسوی است علیه السلام و از جهت این حکمت، موسی علیه السلام بجز از پشم نرم سپید نپوشیدی. هر که در این مقام باشد، خصوصاً که بر روح او حال هیبت و حزن و قبض غالب باشد و بر مزاج بدن او مر السودا متولی شود، هر آینه، به جز از جامه نرم لطیف (سفید) نپوشد و اگر به عکس آن، رنگ سیاه یا کحلی بپوشد، قبض و حزن بر وی غالب تر شود» (باختری، ۱۳۴۵: ج ۲، ۳۸). در تعزیه اهمیت نقش پوشان شبیه در رنگ سفید زمانی معلوم می‌شود که در تقابل با سیاهی قرار گیرد. این تقابل در بین خیر و شر می‌باشد که نه تنها در شکل ظاهری آن، بلکه در مفهوم درونی نیز در روبروی هم قرار می‌دهد. کفن پوشیدن نقش پوشان موافق در حمایت از اولیا است. این مهم نه در فضای سازی بلکه در

نحوه انتخاب رنگ نقش پوشان نیز وجود دارد به عنوان مثال در نسخه تعزیه مجلس امام حسین در روز عاشورا، قبای امام حسین به رنگ سفید می باشد. همچنین در این مجلس لباس ملایکه و جبریل به این رنگ می باشد. در طول تعزیه مجلس ظهر عاشورا هر چه به زمان واقع عاشورا نزدیکتر می شویم شهادت خوانان سفید پوش که نشانه کفن پوشیده و آماده برای شهادت در راه دین هستند. یاران امام چون حربن یزید ریاحی وقتی برای شهادت به امام حسین (ع) می پیوندند از پر سفید برای کلاه خود استفاده می کند که نشانه پاکی و رهایی و قرار گرفتن در جانب عدالت و پاکی است.

رنگ نقش پوشان موافق (سیاه)



تصویر شماره ۳: روز سوم محرم، عکس از پوریا پاکیزه، تفرش، آذرماه ماه نود و یک، تدوین: نگارنده (۱۴۰۲)

در مورد رنگ سیاه از فرهنگ عامه تا روانشناسی مدرن یک نظر مشترک وجود دارد و آن در باب مفهوم رنگ سیاه، گه رنگ تاریکی هاست: «سیاه تیره ترین رنگ است و در واقع خود را نفی می کند. سیاه نمایانگر مرز مطلقی است که در فراسوی آن زندگی متوقف می گردد و بیان کننده فکر پوچی و نابودی است. سیاه به معنای «نه» بوده و مقابل آن «بله» رنگ سفید است. سفید به صحنه خالی می ماند که داستان را باید روی آن نوشت ولی سیاه نقطه پایانی است که در فراسوی آن هیچ چیز وجود ندارد» (لوشر، ۱۳۷۸: ۹۷). شاید به همین خاطر باشد که در غالب فزهنگ ها سیاه رو به عزا و ماتم و سوگواری است چنانکه لوشر در این باره می گوید: «در بیشتر جوامع سیاه رنگ عزا توبه و اندوه است و غالباً افرادی این رنگ را بر تن می کنند که جامعه را مردود می شمارند و با معیارهای آن سر ستیز دارند. این رنگ بیانگر نوعی اعتراض به وضع موجود است که در آن وی

احساس می کند هیچ چیز آن طور که باید و شاید نیست؛ در برابر سرنوشت خود قد علم می کند و یک رفتار عجولانه غیر عاقلانه بروز می دهد. بی علاقگی به زندگی، نفی هر چیز بدبینی ناباوری و لجاجت از دیگر خصوصیاتش می باشد» (لوشر، ۱۳۷۷: ۱۳۴). در فرهنگ کهن باستانی این رنگ نماد تاریکی و اهریمن است. «از آنجا که مفاهیم در گذر تاریخ دستخوش تغییر و تحول بوده اند؛ واژه سیاه نیز دلالت‌های مختلفی را داشته است. گاهی از این رنگ به عنوان نمادی برای بد بودن استفاده شده است. تاریکی آغازین، خلاء، شر، ظلمت بزرگ، یأس، ویرانی، تباهی، اندوه و سنگ دلی از دیگر دلالت های این رنگ بوده است. در باور گذشتگان به ویژه در اساطیر ایرانی رنگ سیاه در مقابل رنگ سپید، معمولاً نشانه و نماد اهریمن و نیروهای اهریمنی است. رمز دروغ، شر و پلیدی است در اسطوره آفرینش اهورا مزدا در جهان روشن برین و اهریمن در جهان تاریک زیرین جای می گیرد» (بهار، ۱۳۷۶: ۱۰). در علوم دیگر مانند علم نجوم نیز از رنگ سیاه به معنای خاصی یاد شده است؛ «رنگ سیاه همچنین با ستاره منحوس کیوان، ارتباط دارد و ریشه در نجوم بابل و فرهنگ صابئیان حران دارد صابئیان حران برای زحل معبدی به شکل شش ضلعی از سنگهای سیاه می ساختند و پرده های سیاه بر آن می آویختند و این سیاره را به صورت پیرمرد هندی سیه چهره نشان می دادند» (حسن لی، ۱۳۸۶: ۱۴۸). در فرهنگ دینی ما نیز سیاه نشانه تاریکی است کتاب اسمانی مسلمانان در این مورد رنگ سیاه اشارات مختلفی شده است. خداوند در آیه ۶۰ سوره زمرد می فرماید: روز قیامت کسانی که برخدا دروغ بستند، بنگرید که همه رویشان سیاه شده است و بر آیه ۵۸ سوره نحل چهره کسانی که از تولد نوزاد دختر ناراحت می شدند به رنگ سیاه تعبیر شده است: «و چون یکی از آنها را به فرزند دختری مژده آید، رخسارش سیاه شده سخت دلتنگ و خشمگین می شود» و در سوره های دیگر مثل زخرف/۱۷، نمل/۵۸، آل عمران/۱۰۶ و یونس/۲۷ از سیاه دلی مشرکان و روی سیاه آنان یاد شده است. در بیشتر موارد در قرآن رنگ سیاه در مقابل رنگ سفید بیان شده است؛ آنجا که پرودگار می فرماید تا رشته سیاه از رشته سفید صبحدم برایتان آشکار گردد (بقره/۱۸۷). و در جای دیگری می فرماید: در روزی که گروهی رو سفید و گروهی رو سیاه باشند سیه رویان را نکوهش کنند که چرا بعد از ایمان باز کافر شدید؟ بچشید عذاب را در برابر آنچه کفر ورزیدید. اما روسفیدان در رحمت خدا در آیند و در آن پس جاوید و مغتنم باشند» (آل عمران/۱۰۶ و ۱۰۷). در برخی از احادیث پیامبر (ص) رنگ سیاه را جز در مورد عمامه و کفش و عبا مکروه و در احرام و کفن آن را جائز نمی شمارد و پوشیدن لباس سیاه مکروه دانسته است. مفهوم رنگ سیاه در تعزیه بیشتر با پوشش شیطانی و سیاه بختی و در مرتبه پایینی قرار دارد. نقش پوشان مخالف بواسطه این رنگ معرفی شده و این پوشش برای شخصیت آنان به مفهوم تباهی و سیاهی می باشد. در مواردی نیز تعبیر دیگری در مورد رنگ سیاه وجود دارد بعنوان مثال در مورد جبرئیل آورده اند: «اول کسی که با این رنگ سیاه و جامه موین تمثل کرد، جبرئیل بود که خود را به رنگ سیاه بر آدم عرضه کرد» (باخزری، ۱۳۵۴: ۳۰). و یا در باور عرفانی آمده است

که گویند: «رنگ سیاه، رنگ شب است و رنگ مردمک دیده و از آن مردمی است که دل ایشان خزینه اسرار باشد و حال خود را از همه کس مخفی می دارند و در پرده اولیائی تحت قبای به یاد محبوب ازل می گذرانند» (واعظ کاشفی، ۱۳۵۰، ۱۶۸).

در تعزیه کاربرد رنگ مشکی به لحاظ مفهومی به گونه ای دیگر است. یکی از تعابیر معنای وجودی رنگ مشکی در تعزیه به معنای عدم وجود و در ساحت ذات اقدس الهی می باشد: «مشکی هویدای مرز مطلق است که در فرا روی آن زندگی متوقف می شود از این رو بیانگر نابودی و نقطه ی پایان هر چیزی است. فروتر از همه ی رنگها رنگ مشکی قرار دارد و نماد لاشیئیت (هیچی است همچنین مشکی معنای نمادین دیگری همو دارد، معنای عدم وجود لاتعین) یا ذات الهی که حتی فراتر از ساحت وجود قرار دارد و فقط به واسطه ی شدت یا غلظت شدت روشنایی اش سیاه می نماید. برخی از عرفا آن را نور سیاه نامیده اند همانند مراتب وجود میان این دو حد نور و ظلمت، طیف رنگها قرار دارد» (خوش نظر و رجبی، ۱۳۸۸). در بسیاری از مناسک و مراسم آیینی در اسلام پوشیدن این رنگ بخشی از اعمال فریضه و مناسک آیینی محسوب می گردد: مشکی نماد تجدید حیات دنیوی و اخروی و مظهر انقلاب روحی انسانها است، این رنگ در عرفان و ادبیات اسلامی نشانه تعالی است؛ مشکی رنگ مورد استفاده در پرده کعبه است که خود نمایانگر قداست این رنگ میان مسلمانان می باشد پوشش سیاه در عزا و عروسی و علم های سیاه صرفاً به معنای مرگ نیست، بلکه به معنی تجدید حیات دنیوی و اخروی و مظهر انقلاب روحی انسان می باشد که در حال محو حاصل می شود. در ادبیات و عرفان اسلامی رنگ مشکی نشانه ی تعالی است» (مددپور، ۱۳۹۰). با توجه به این پیشینه در تعزیه نقش پوشان مخالف که همان اشقیا هستند این پوشش برای آنها در نظر گرفته شده است یعنی نقش پوشانی چون منقذ، حکم، ابن ملجم و وحشی و مخالف پوشان دیگر از این رنگ در پوشش خود استفاده می کنند. نسبت مفهوم رنگ سیاه به قدری می باشد که در نقش پوشان اولیا و موافق خوان نیز به کار می رود چنانچه در ترکیب با رنگ قرمز یا سبز برای نقش پوشان موافق خوانی مثل حضرت زهرا (س) و حضرت زینب (س) به کار میرود. در یک مفهوم کلی در تعزیه گه یک روایت آیینی است رنگ سیاه برای مخاطبان تعزیه نیز مفهوم شرکت در این مراسم آیینی را دارد. به همین خاطر در زمان برگزاری این آیین غالباً مخاطبان آن نیز به مفهوم عزاداری جامه سیاه می پوشند.

رنگ نقش پوشان مخالف (قرمز)



تصویر شماره ۴: ظهر عاشوراامرداد، عکس از امیرحسین میری، سرعین، مرداد ماه هزار و چهارصد، تدوین: نگارنده (۱۴۰۲)

رنگ قرمز در بین رنگ های مختلف از ماهیتی استوار و مفهوم خاص پیروی می کند و به لحاظ کیفیت رنگی نیز از این جهت پایدار می باشد. در فرهنگ عامه مردم اساساً معنی این رنگ را منبعث از رنگ خون می دانند: «رنگ قرمز در بیشتر فرهنگ ها به لحاظ مفهومی به نوعی رنگ خون است و با توجه به فرهنگ ملل مختلف تعبیر متفاوتی دارد؛ به عنوان مثال در ژاپن نماد از خود گذشتگی و در ترکیه نشانه مرگ می باشد. در ادبیات فارسی نیز رنگ سرخ به دلیل تشبیهات مکرر مورد توجه بوده است و در مفاهیمی چون گلگون، رنگ و رنگین خود را نشان داده است. نمونه های بسیار زیاد دیگری در ادبیات فارسی به اعتبار سرخ بودن رنگ باده ترکیب هایی چون دخت رز، خون رز، خون خم، خون مینا، آب ارغوان، آب آتشین و لعل مذاب و غیره که همه کنایه از شراب می باشد» (محمد پادشاه، ۱۳۴۶، ۲۵۳).

در روانشناسی رنگ قرمز به مانند رنگدانه هایی خویش سرشار از زندگی و پویایی است و میل و اشتیاق بی وصفی نسبت به زندگی دارد چنانچه لوشر در این باره می گوید: «قرمز بیانگر نیروی حیاتی است و لذا معنای آرزو و تمام شکل های میل و اشتیاق را دارد. قرمز معنی لزوم بدست آوردن نتایج مورد نظر و کسب کامیابی است. نشانگر آرزوی شدید برای تمام چیزهایی است که شدت زندگی و کمال تجربه را در پوشش خود دارد. قرمز یعنی محرک اراده برای پیروزی و تمام شکل های شور و قدرت قرمز یعنی تأثیر اراده و قدرت آن می باشد» (لوشر، ۱۳۷۴: ۷-۸۶). از سوی دیگر رنگ قرمز در جهت تاریکی و تضاد با مفهوم زندگی نیز قرار می گیرد و در سویه

دیگر خویش بسیار رنگ سنگدل و بی رحمی است: «رنگ قرمز با توجه به ماهیت خود دارای دو خصلت مثبت و منفی است منفی از این جهت که نشانگر شهوت، خونریزی، درنده خوئی، خشم، گناه انتقام کشی و شقاوت است و مثبت از این جهت که مظهر نور نماد، عشق، بردباری، ایمان، عزت نفس، بزرگواری، پیروزی و شهادت می باشد. این رنگ از گذشته سمبلی برای تجدید حیات و از حیث زیبایی سرآمد رنگها محسوب می گردد، چنانکه در زبان روسی مفاهیم سرخ و زیبا به هم نزدیک هستند» (مددپور، ۱۳۹۰). سهروردی از رنگ سرخ به عنوان نماد جهان مغربی (عالم خاک) یاد می کند چنانکه در حکایت عقل سرخ سرگذشت سالکی را بازگو می کند که پس از گریختن از دست موکلانش رو به بیابان می رود و آنجا با پیری که محاسن و روی سرخ و نورانی دارد مواجه می شود. در این بیانات هنگامی که عقل انسان در ظلمت و تاریکی قرار می گیرد و نور و سفیدی ذات خود را از دست دهند به رنگ سرخ هویدا می شود» (هاشم زاده، ۱۳۹۷). اما در تعزیه این رنگ حضوری قاطع دارد و به مانند رنگ های دیگر نیست. این رنگ برای نقش پوشان مخالف در لشکر اشقیا است: «در لباس های شبیه خوانان رنگ قرمز مرز بین اولیا و اشقیا می باشد: این پوشش بخشی از تن پوش امیران مخالف در تعزیه می باشد بطوری که عبدالله مستوفی در توضیح تعزیه بازار شام اشاره می کند که یزید باید جبه اطلس سرخ پولک دوزی شده بر تن کند» (شهبازی راد، ۱۳۹۲). در مجالس تعزیه فضای سرخ گونه که بیشتر نشانه جنگ و خونریزی می باشد و به سبب تجاوز و حمله لشکریان کافر که در برابر حق قرار گرفته اند در تصاحب اشقیاست. آنها در لوای رنگ قرمز از هیچ عملی ستمکارانه ای عبا ندارند. «رنگ قرمز در لباس حضرت عباس (ع) نشانه شدت عصبانیت ایشان نسبت به شقاوت کفار است و مورد استفاده شبیه طفولیت امام حسین (ع) نیز می باشد» (تقوی، ۱۳۹۶). در بیشتر نسخه های مجالس تعزیه به رنگ قرمز اشاره مستقیم شده که با آن ظلم و ستمکاری مخالف خوانان را در اجرای این مجالس کامل می کنند. گویا اشقیا از رنگ قرمز برای ساختن فضای صحرای کربلا و شهادت هفتادو تن از یاران امام بیشترین استفاده را نموده اند. شمر از کلاه تا چکمه سرخ پوشیده است و در مجلس ظهر عاشورا بیرق ها را سرخ برپا کرده و برای لشکریان مخالف خوانش غالبا از هایشان تا پر کلاخود و بازوبند و غلاف شمشیر رنگ قرمز را تدارک دیده است. در نشانه شناسی رنگ قرمز در تعزیه بیشتر در حیطه نقش پوشان مخالف خوانان حضور دارد. و سویه پلیدی و درنده خصلتی اشقیا را در فاجعه ظهر عاشورا رقم می زند.

رنگ نقش پوشان موافق (زرد)



تصویر شماره: تعزیه حر، عکس از محمد کاظم جعفری، حسینیه کوثر اریسمان، آبان ماه نود و سه، تدوین: نگارنده (۱۴۰۲)

در میان رنگها در بیشتر حوزه های شناختی رنگ زرد حضوری غریب دارد مهمترین شناسه این رنگ در روانشناسی با مفهوم شناخت و آگاهی پیوند زده شده است: «رنگ زرد به معنای داشتن آرزوهای بسیار شور و شوق، زندگی تهوّر و قدرت اراده است. صفات اصلی رنگ زرد عبارتند از: روشنی، شادمانی زودگذر، توسعه طلبی بلامانع، سهل گرفتن و تسکین خاطر است» (لوشر، ۱۳۹۵، ۷۳). در بیشتر نقاط آسیا رنگ زرد نشانه بیماری نقرس و پرهیزگاری است و در یونان باستان رنگ زرد نشان دهنده حالات زنانه بوده است. آنها پوشیدن لباس زرد را برای مردان غیر قابل قبول می دانستند، و الهه ها و دوشیزگان را با پیراهن زرد نقاشی می نمودند. در ادبیات خودمان نیز معانی زرد، بیماری و ضعف ونخوت می باشد. «رنگ زرد نماد، آفتاب، شادی، فریب آرزو و امید است بیشتر پژوهشگران رنگ زرد را رنگی شاد و فرح بخش می دانند که علاوه بر نوربخشی و امید به زندگی حس دلتنگی را از زندگی می زداید و نشاط و شادی را برای انسان به ارمغان می آورد. این رنگ مظهر دانش انسانی، روشنایی معنوی و نور الهی است؛ اما به هنگام تیره شدن ناپایداری، تردید، شک و بی اعتمادی را نشان میدهد» (البرزی و بهزاد مقدم ۱۳۹۴). در تعزیه این رنگ زرد را نقش پوش موافق خوان یعنی حربن یزید به اجرا می نماید و به دلیل تک رنگ بودنش در تعزیه رنگ زرد، رنگ حر می باشد. حر که در لشکر دشمنان

امام بود به ناگاه برایش تحول درونی اتفاق می افتد و به جمع یاران امام در می آید. استفاده از رنگ زرد در تمامی مجالس تعزیه مختص حر است گویا حر با این رنگ مفاهمی چون پریشانی و متضرر شدن و ندامت در مجالس تعزیه به ما گوشزد می نماید. این تغییر را زمانی که او به سپاه امام (ع) می پیوندد با تغییر رنگ پر کلاه خود به رنگ سفید به نمایش می گذارد.

جدول شماره ۱: جدول یافته‌های مفاهیم روانشناختی رنگ در نقش پوشان موافق و مخالف خوان تعزیه، مأخذ: نگارنده، ۱۴۰۲

عنصر رنگ	رنگ نقش موافق پوشان	رنگ نقش مخالف پوشان	رنگ وسایل صحنه تعزیه	رنگ لباس نقش پوشان تعزیه	مفهوم روان شناسی رنگ
قرمز		شعر پوش	پر کلاخود و درفش قرمز	عبا و چکمه	شر و خونریزی
سبز	امام حسین (ع) پوش		خیمه سبز و درفش سبز	شال، عمامه و قبای ابریشمی	حق طلبی و شهادت
زرد	حر پوش		پر کلاخود سفید	عبا و کفش	انتخاب و ندامت
قرمز		لشکر مخالف خوان پوش	درفش قرمز	عبای و عمامه و کفش قرمز	ظلم و خونریزی
سبز	علی اکبر (ع) حضرت قاسم و عباس (ع) پوش		زره خود و پر سبز	پر کلاخود، عبا و شال	صداقت، حق طلبی و معصومیت
سبز	حضرت زینب پوش			شال و عبای سبز	خیرخواهی و عدالت
سفید	پیامبر اکرم (ص)، ملایک و جبریل پوش			عبا، عمامه و کفش	پاکی و قداست
سیاه	موافق پوشان، جبریل			عبا، عمامه و کفش	عزاداری و تجدید حیات

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با توجه به یافته‌ها عنصر رنگ در میان نقش پوشان موافق و مخالف نقش محوری را در خلق معنای تعزیه ایفا می کند. رنگ از یک سو در جامه نقش پوشان تعزیه به شخصیت پردازی، معرفی و خلق مفهوم مرتبط با نقش و شان واز سو دیگر در پیشبرد روایت و فضا سازی الزامات صحنه ای به مثابه یک نشانه و نماد خلق معنا می نماید. مفهومی که از بازتاب رنگ در اجرای نمایش تعزیه شکل می گیرد بی شک عجین شده با مفاهیم پایه ای معنا در روانشناسی رنگ لوشر می باشد. در نتیجه بررسی ها رنگ مطابق با جدول شماره یک، این مفاهیم بیشتر در رنگ جامه نقش پوشان موافق و مخالف خوان مستتر است و ذهن در ناخودآگاه خود معطوف به معنای رنگ در شخصیت می نگرد. رنگ قرمز که رنگ لباس نقش پوش شمر می باشد نشانه شر و خونریزی است. رنگ سبز که رنگ نقش پوشان انبیا می باشد در نقش پوشان موافق خوان نشانه حق طلبی و شهادت ، صداقت و معصومیت این شخصیتها در بر می گیرد. رنگ سفید در بیشتر فضاهای تعزیه رنگ پاکی و قداست و تطهیر می باشد. رنگ

سیاه نیز نشانه عزاداری و تجدید حیات معنوی معنا و مفهوم خلق شده در رویدادهای تعزیه است. چنانچه این مفاهیم در اجرای تعزیه جای خود را با شخصیت پردازی بواسطه حضور رنگ در این مجالس همپوشی نموده و بخشی از ایفای نقش را به عهده دارند.

پایان

پیوست تصاویر

- تصور شماره ۱: <https://fa.nody.ir/D8>
- تصویر شماره ۲: <https://www.mizanonline.ir/fa/news/230935>
- تصویر شماره ۳: <https://www.isna.ir/photo/91090703208>
- تصویر شماره ۴: <https://rahecheshmalar.ir>
- تصویر شماره ۵: محمد کاظم جعفری: <http://arismannews.com/?p=33535>

کتاب

- قرآن کریم
- ابن سعد، محمد بن سعد. (۱۴۱۴ق)، الطبقات الكبرى (محقق محمد عبدالقادر عطا). بیروت: دارالکتب العلمیه.
- اسماعیلی، حسین (۱۳۸۹). تشنه در میقاتگه: متن و متن شناسی تعزیه (مجموعه لیتن)، تهران، نشر معین.
- باخزری، ابو المفاخر یحیی، (۱۳۴۵)، اوراد الاحباب و خصوص الآداب، تهران: دانشگاه تهران.
- بکری، احمد بن عبدالله، (۱۳۷۳)، ألنوار فی مولد النبی. چاپ اول. قم: الشریف الرضی
- بهار، مهرداد (۱۳۷۶) پژوهش در اساطیر ایرانی، تهران: آگاه.
- برند فلمار، کلاوس، (۱۳۷۶)، رنگ ها و طبیعت شفا بخش آنها، ترجمه شهناز آذر نیوش، تهران، ققنوس.
- بیهقی، محمد بن حسین، (۱۳۷۸)، تاریخ بیهقی (به کوشش خطیب رهبر)، تهران: قطره
- چلکووسکی، پیتر، ۱۳۸۴، تعزیه: آیین و نمایش در ایران، داود حاتمی، تهران، انتشارات علمی فرهنگی.
- حسن لی، کاووس و مصطفی صدیقی، (۱۳۸۵) نگاهی به هفت پیکر از دیدگاه نمادگرایی در پوشش صوفیه تجلی عرفان در سخن سخنوران آذربایجان به کوشش فاطمه مدرس و محبوب، طالعی انتشارات دانشگاه ارومیه.
- سپهری، سهراب، (۱۴۰۰)، اتاق آبی، تهران، انتشارات سروش.
- شهری باف، جعفر، (۱۳۸۳)، طهران قدیم، ج ۲، چاپ چهارم، تهران: نشر معین.
- شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، (۱۴۱۳ق)، امالی المفید. کنگره شیخ مفید. قم: کنگره هزاره جهانی شیخ مفید.
- سان، هوارد و سان، دورتی، (۱۳۷۸)، زندگی با رنگ، ترجمه نغمه صفاریان، تهران، نشر حکایت
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۷)، تفسیر جوامع الجامع، تهران، دانشگاه تهران.

- عناصری، جابر، (۱۳۶۶)، درآمدی بر نمایش و نیایش در ایران، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی.
- عطاری، یوسفعلی و رضا فلاحی، (۱۳۸۲)، روانشناسی رنگ و تبلیغات، تهران، انتشارات گلگشت.
- کوپر، جی.سی، (۱۳۶۳)، فرهنگ مصور نمادهای سنتی، ترجمه ملیحه کرباسیان، تهران، انتشارات فرشاد.
- لوشر ماکس (۱۳۷۴)، روان شناسی رنگها ترجمه ویدا ابی زاده، تهران: درس.
- محدثی، جواد، (۱۳۶۸)، هنر، مکتبی تهران معاونت پرورش آموزش و پرورش.
- مددپور، محمد، (۱۳۹۰)، حکمت انسی و زیبایی شناسی عرفانی هنر، اسلامی چاپ، سوم، تهران، انتشارات سوره مهر.
- همدانی، زاده فرحناز (بی تا)، نمادشناسی رنگ در هفت گنبد نظامی، هنرنامه، شماره ۵.

مقاله

- اعظم زاده، محمد و آریان پور، مهفام و رضوی هندی، پگاه سادات، ۱۳۹۵، رنگ در جامه های تعزیه با تاکید بر مفهوم رنگ از دیدگاه عرفا، <https://civilica.com/doc/1004789>
- تقوی، لیلا، هنرهای نمایش؛ قراردادهای ویژه رنگ در نمایش آیینی تعزیه، نشریه رشد آموزش هنر، شماره ۴۸، بهار ۱۳۹۶، صص ۶۴-۶۹.
- پیروای ونک، مرضیه، و نیک نفس، اقدس. (۱۳۸۹). بررسی تطبیقی نمایش های تعزیه و تراژدی بر اساس نظریات ارسطو. شناخت (پژوهشنامه علوم انسانی)، - (۱/۶۳)، ۵۴-۳۱. <https://sid.ir/paper/248313/fa>
- حسین آبادی، زهرا و رحیمی صادق، مسعود، ۱۳۹۹، بررسی و نمادشناسی رنگ در لباس نمایش تعزیه، نخستین کنفرانس ملی پوشاک، طراحی پارچه و لباس، شیراز، <https://civilica.com/doc/1193360>
- خوش نظر، رحیم، رجبی، محمدعلی، نور و رنگ در نگارگری ایرانی و معماری اسلامی، کتاب ماه هنر، شماره ۱۲۷، فروردین ۱۳۸۸، صص ۷۰-۷۶.
- دانش، کاظم، و خزائی، محمد. (۱۳۹۹). نمادشناسی رنگ سبز در فرهنگ و هنر ایرانی-اسلامی. پیکره، ۹ (۱۹)، ۱۸-۲۹. <https://sid.ir/paper/986757/fa>
- شهناز، شاهین، در پژوهشی تحت عنوان بررسی نماد رنگ در تاتر و ادبیات و در آیین ملت ها، نشریه هنرهای زیبا، ۱۳۸۳، شماره ۱۸، صص ۹۹ تا ۱۰۸.
- فهیمی فر، علی اصغر؛ پازوکی، شهاب، ۱۳۹۵، پدیدارشناسی حضور اجراگر در شبیه خوانی، فصلنامه عامی پژوهشی کیمیای هنر، سال پنجم، شماره ۲۰، صص ۳۶-۳۷.
- محمدی، شبنم و وندشعاری، علی، ۱۳۹۴، معناشناسی رنگ در تعزیه عاشورا با تأکید بر آیات قرآنی، اولین کنفرانس بین المللی هنر، صنایع دستی و گردشگری، شیراز، <https://civilica.com/doc/543559>
- هاشمپور، نرگس (۱۳۹۲) استتیک پرفورمنس در تعزیه و تماشاگران زن، مجله کیمیای هنر، شماره ۹ پژوهشکده هنر، تهران، صص ۲۵-۱۹.
- نصیری، محمد، افراسیاب پور، علی اکبر، و احمدی، فریبا. (۱۳۹۷). نماد عرفانی رنگ در هنر و معماری اسلامی. عرفان اسلامی (ادیان و عرفان)، ۱۴ (۵۶)، ۵۳-۷۱. <https://sid.ir/paper/513492/fa>